دنگ

استقبال از یوگنی گرینکو در تهران

به دنبال استقبال گسترده علاقه‌مندان به موسیقی، کنسرت یوگنی گرینکو، موسیقیدان مشهور روس برای دومین بار تمدید شد.

روابط‌عمومی مجموعه فرهنگی عمارت روبه‌رو این خبر را منتشر و اعلام کرد این کنسرت قرار است روزهای ۲۷ و ۲۸ تیر امسال در سالن وزارت کشور برگزار شود که به دلیل استقبال علاقه‌مندان یك سئانس ساعت ۱۸ در روز ۲۷ تیره اضافه شد. بلیت‌فروشی سئانس جدید این کنسرت از امروز چهارشنبه ساعت ۱۴ در سایت ایران کنسرت آغاز می‌شود.

کنسرت یوگنی گرینکو، موسیقیدان اهل روسیه برای اولین بار در ایران توسط مجموعه فرهنگی، هنری عمارت روبرو و با همکاری موسسه فرهنگی، هنری ققنوس برگزار می‌شود.

صحنه

آویژه در نقش شل سیلور استاین

این روزها در سالن بوستان مرکز تئاتر کانون، تئاتری اجرا می‌شود به نام «عموی عجیب بزرگ کوچیك من» که از نوشته‌های شل سیلور استاین است.

ناصر آویژه این نمایش را کارگردانی می‌کند و ایفای نقش سیلوراستاین را نیز برعهده دارد. روز دوشنبه گذشته این نمایش با حضور خانواده‌ها و همچنین نویسندگان و شعرای ادبیات کودك و نوجوان به صحنه رفت و در ادامه اجرا از رضی هیرمندی مترجم آثار شل سیلور استاین تجلیل شد. هیرمندی چندجلد از ترجمه آخرین اثر سیلور استاین را با عنوان «با همه چی» برای علاقه‌مندان امضا کرد و ناصر آویژه نیز با گریم و لباس سیلور استاین خطاب به کودکان حاضر در سالن گفت: من شل سیلور استاین، متولد ۱۹۳۰ در شیکاگو هستم که سال ۱۹۹۹ بر اثر سکته قلبی درگذشتم. کتاب‌های زیادی برای بچه‌ها نوشتم، ترانه نوشتم و نقاشی کردم. کتاب‌های من به زبان‌های مختلف به‌خصوص فارسی ترجمه شد و فردی که من را به مخاطبان ایرانی معرفی کرد کسی نیست جز رضی هیرمندی.

نمایش «عموی عجیب بزرگ کوچیك من» که نمایشی ویژه کودکان، نوجوانان و خانواده‌هاست با بازی مریم آشوری، ماهك فتاح‌پور، ناصر آویژه، مهرداد باقری، شاهین گل‌کار، محمد الهدادی، سبا سلیمانی و رها آویژه اجرا می‌شوند.

همچنین براساس توضیحات آویژه، پویشی با عنوان «یك شب، یك نمایش، یك نویسنده» راه‌اندازی شده که طی آن هر اجرای نمایش عموی عجیب بزرگ کوچیك من با حضور یك‌نویسنده به صحنه می‌رود.

عطف

انتشار یك رمان جنایی معمایی جدید

رمان «پس از خاموشی» نوشته پاتریشیا کورن‌ول که یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های نیویورك‌تایمز بوده با ترجمه نورا نواپور روانه بازار کتاب شده است.

این خبر را ایسنا منتشر کرده و در این باره نوشته است: پس از خاموشی اولین رمان کورن‌ول بود و او با خلق دکتر کای اسکاپتا در این رمان، شخصیتی به مخاطبان آثار جنایی معمایی معرفی کرد که بسیار محبوب و پرطرفدار شد.

به همین خاطر، دکتر کای اسکاپتا شخصیت محوری همه رمان‌های بعدی او شد؛ رمان‌هایی که تاکنون بیش از صد میلیون نسخه از آنها در دنیا به فروش رسیده است.

این آثار به ۳۶ زبان و در ۵۰ کشور دنیا ترجمه و منتشر شده است.

کورن‌ول اولین نویسنده آمریکایی است که جایزه گالاکسی بریتانیا را برای بهترین اثر جنایی سال دریافت کرده و از آثارش اقتباس‌های سینمایی فراوانی شده است.

سیدآبادی نامزد یك جایزه چینی

بنیاد شن ژن در چین و دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان، جایزه‌ای به نام IREAD (من می‌خوانم) را برای مروجان برجسته کتابخوانی بنیان کرده‌اند که برای سال ۲۰۱۹ علی‌اصغر سیدآبادی از ایران برای دریافت این جایزه معرفی شده است. ایسنا این خبر را منتشر کرده و نوشته شورای کتاب کودك، سیدآبادی را به‌عنوان نامزد ایرانی این جایزه معرفی کرده است.

جشن تولدی برای شاعر گل‌های خندان

چه کسی است که در سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ مدرسه رفته باشد و ما گل‌های خندانیم، فرزندان ایرانیم را خوانده باشد و شاعر این شعر یعنی عباس یمینی شریف را نشناسد؟ آقای شاعر اگر زنده بود امسال صد ساله می‌شد و به همین مناسبت و همزمان با روز ملی ادبیات کودك مراسمی به یاد او و به نام «قدمی در باغ عشق به کودکان» از ساعت ۱۷ تا ۱۹ و ۳۰ دقیقه روز سه‌شنبه (۱۸ تیر) در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار می‌شود.

ششصد و پنجاه و اشک!

ترامپ در حالی از ایران بابت خویشتنداری‌اش در حمله به هواپیمای جاسوسی آمریکا با ۳۵ سرنشین تشکر کرده که ۳۱ سال پیش در چنین روزی، آنها در آسمان خلیج فارس، هواپیمای مسافربری شماره ۶۵۵ ایران‌ایر را هدف قرار دادند

گروه ادبیات و هنر

سی‌ام خرداد ایران، پهپاد جاسوسی ایالات متحده را در آب‌های سرزمینی‌مان زد و یك روز بعد فرمانده هوافضای سپاه پاسداران گفت یك هواپیمای جاسوسی دیگر نیز نزدیك این پهپاد در حال پرواز بوده که چون ۳۵ خدمه پروازی داشته، مورد اصابت قرار نگرفته است.

راستش را بخواهید با توجه به شناختی که حالا نه تنها ما بلکه همه جهانیان از منطق‌های معیوب دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا کسب کرده‌ایم، منتظر بودیم او به تکذیب برخیزد و دست‌کم باد در غبغب بیندازد و بگوید شما نمی‌توانستید هواپیمای سرنشین‌دار را هم بزنید. این بار اما کاملا اشتباه می‌کردیم؛ پس از ادعای سپاه مبنی بر خویشتنداری در حمله به هواپیمای سرنشین‌دار آمریکایی، ترامپ از ما تشکر کرد که کاری به هواپیمای دوم‌شان نداشته‌ایم. این تشکر، هر چند خشك و خالی بود و هر چند از جانب دیوانه‌ترین سیاستمدار این روزهای جهان ابلاغ شده بود، ما را یکراست برد به ۳۱ سال پیش و اتفاقا به همین آسمان خلیج‌فارس؛ ۱۲ تیرماه ۱۳۶۷ هواپیمای مسافربری شماره ۶۵۵ شرکت هواپیمایی ایران‌ایر با شناسه IR655 که از تهران پس از توقف بین راهی در بندرعباس به سمت دوبی در حرکت بود با شلیك موشك فینیکس حرارتی از ناو یواس‌اس وینسنس متعلق به نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا در ارتفاع ۱۲ هزار پایی بر فراز خلیج فارس سرنگون شد و همه ۲۹۰ سرنشین آن که شامل ۴۶ مسافر غیر ایرانی و ۶۶ کودك بودند، جان باختند. دولت آمریکا مبلغ ۵۵ میلیون دلار به خانواده‌های قربانیان و نیز مبلغ ۴۰ میلیون دلار برای خسارت سقوط هواپیمای مسافربری پرداخت کرد. این مبلغ البته بدون قبول مسؤولیت حادثه پرداخت شد و هیچ یك از خدمه ناو وینسنس محکوم نشدند؛ حتی ویلیام راجرز فرمانده ناو جنگی آمریکا در پایان خدمت خود مدال شجاعت گرفت و به درجات بالاتر ارتقا یافت. این دو گزاره واپسین، یعنی شانه خالی کردن آمریکایی‌ها از زیر بار مسؤولیت جنایت‌شان و نیز آویختن مدال افتخار بر گردن فرمانده ناو جنگی‌شان که فرمان آتش را داده بود، این شرم تاریخی را بر پیشانی ننگین‌شان، همیشگی کرد.

امروز، دوازدهم شرم‌آلود تیرماه ۱۳۶۷ برای سی‌ویکمین بار روی تقویم ورق می‌خورد و ما رفته‌ایم بین تولیدات ادبیات و هنر سرك کشیده‌ایم تا ببینیم چه یادآوردهایی برای این روز داشته‌ایم.

شعر پرواز، شعر موشك

شاید اینجا و آنجا، وسط شعری یا داستانی، به ماجرای پرواز ۶۵۵ به اشاره‌ای پرداخته شده باشد، اما تا آنجا که ما به یاد داریم، تنها کتاب شعر «سفر بمباران» علی‌محمد مودب است که به این واقعه پرداخته است. در همان اولین شعر کتاب، او چنین فاجعه‌ای را با اشاره‌هایی به روایات مقدس از کتاب‌های آسمانی درمی‌آمیزد. نگاه شاعر در فضای جاری سفر بمباران معطوف به نشاندن اسطوره‌های خارجی و داخلی در کنار یکدیگر است البته نه جهت برتری‌بخشی اسطوره‌نماهای داخلی بر اسطوره‌های بیگانه. تاختن شاعران بر چرایی رنگ باختن ارزش‌های داخلی در مقابل ارزش‌های وارداتی بیگانه با فرهنگ ما امر تازه‌ای نیست اما مودب گامی به جلو نهاده و ارزش‌های نوساخته داخلی را نیز همچون ارزش‌های بیگانه با فرهنگ ما سزاوار ستیز دانسته است.

موسیقی هم که نگوییم...

اما بگوییم از موسیقی. مثلا روی کاغذ می‌توانیم از آهنگسازهایی که برای ارکسترها می‌نویسند و بیش از باقی موسیقیدان‌ها، روایت را وارد پارتیتورهای‌شان می‌کنند، انتظار داشته باشیم که به‌این‌واقعه توجه کرده باشند. البته ظاهرا انتظارمان بی‌جاست؛ هیچ خبری از اثری درخور و بزرگ در این باره نیست. یکی دو اثری را می‌توانیم بیابیم که فقط اسم‌شان را بیاوریم برای خالی‌نبودن این باکس از آثار موسیقیایی اما خب شما زیاد جدی‌شان نگیرید. اولی «جرم پرواز» اثری با صدای پویا بابایی خواننده جوان کشورمان و با تهیه‌کنندگی باشگاه ترانه و موسیقی راه و اثر دوم نمآهنگ «ایستاده‌ایم تا آخرین قطره خون» به تهیه‌کنندگی باشگاه فیلم سوره، با صدای حسین حقیقی.

تا یادمان نرفته این را هم بگوییم که همین حامد عسکری خودمان که در صفحه آخر قلم می‌زند هم ترانه‌ای با این موضوع به نام «جعبه سیاه» سروده که برایش نماهنگ هم ساخته‌اند

داستان یك قهر سینمایی

سینمای داستانی: شاید باورتان نشود اما سینمای داستانی ما تقریبا هیچ توجهی به این واقعه نکرده است. عجیب است که سینماگران به‌راحتی از این درام محض برگذشته‌اند. دیگر چه می‌خواهند؟ از یك واقعه چه می‌خواهند جز وجوه غنی دراماتیك؟

شاید مهم‌ترین اشاره‌ای که سینمای ایران تاکنون به سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران به دست آمریکایی‌ها داشته، در فیلم «موج مرده» ابراهیم حاتمی‌کیا روی داده باشد؛ فیلمی که شاید اگر الان به تماشایش بنشینیم آن را مملو از شعارهای گل‌درشت بیابیم اما «موج مرده» در زمان خودش، بیانیه کارگردانی بود که هوشمندانه از وجوه نمادین بهره برده بود تا تئوری «دست پر در مذاکره» را تقویت کند. پرویز پرستویی، نقش یکی از فرماندهان نیروی دریایی در سال‌های دفاع مقدس را در این فیلم بازی می‌کرد که می‌رفت زیر آب‌های خلیج‌فارس و مشت می‌کوبید به بدنه ناو وینسنس که حالا دوباره به اینجا بازگشته بود.

سینمای مستند: اگر از اهالی سینمای داستانی انتظار می‌رفت تا از این فاجعه دراماتیك، توشه بردارند برای آثارشان، این انتظار در رابطه با مستندسازان سینمایمان بیشتر هم بود. البته درباره این رویداد، فیلم مستند کم تولید نشده اما شاید شاخص‌ترین آنها موج زنده حبیب احمدزاده باشد. نام فیلم، آشکارا اشاره‌ای است به فیلم «موج مرده» ابراهیم حاتمی‌کیا که درباره‌اش حرف زدیم. نقطه اشتراك هر دو فیلم هم، پرویز پرستویی است؛ در موج مرده او بازیگر نقش اول فیلم بود و در موج زنده هم گویندگی مستند را بر عهده داشت. [در یك باکس مستقل به پرویز پرستویی خواهیم پرداخت.]

در این مستند علاوه بر پرویز پرستویی؛ علی نصیریان، حسن پورشیرازی، مهتاب کرامتی، پرویز شیخ‌طادی و رویا تیموریان در کنار خانواده شهدای هواپیمای مسافربری ایران‌ایر حضور پیدا کرده‌اند.

کارتونیست‌ها در صدر

بی‌تردید باید بگوییم در همه حوزه‌های هنر و ادبیات، این هنرمندان حوزه‌های تجسمی بوده‌اند که بیشترین تمرکز را بر بازنمایی فاجعه پرواز ۶۵۵ نشان داده‌اند. در اینجا از میان این هنرمندان، از چند کارتونیست سراغ گرفته‌ایم که در این سال‌ها، هر یك از زاویه دید خود، ماجرا را روایت کرده‌اند:

ناصر مقدم

محسن اسدی

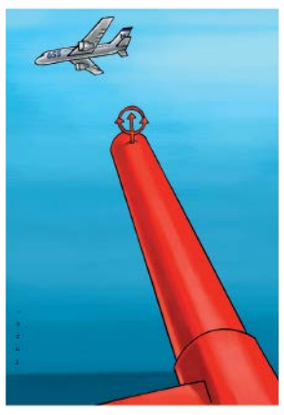

مهدی عزیزی

علیرضا پاکدل

سعید صادقی

مهدی عزیزی

نشان افتخار ما برای پرویز پرستویی

دیروز تورج دهقانی زنگنه در مراسم گرامیداشت سی‌ویکمین سالگرد یاد و خاطره ۲۹۰ نفر از شهدای حمله ناو آمریکایی به ایرباس مسافربری هما خبر داد که وزیر راه و شهرسازی موافقت کرده فرودگاه بندرعباس به فرودگاه شهدای پرواز ۶۵۵ هما تغییر نام یابد.

اما اگر سر نخ ماجرای این تغییر نام را بگیرید به دو سال پیش می‌روید و به پرویز پرستویی می‌رسید. او دو سال پیش در همین روز یعنی در بیست‌ونهمین سالگرد این فاجعه بزرگ انسانی، نامگذاری فرودگاه بندرعباس به نام شهدای این واقعه را با ابتکار عمل هنرمندان ایرانی در به راه انداختن کمپین‌های بین‌المللی پیشنهاد داده بود. این جا، ما که گزارشی نوشته‌ایم درباره نسبت هنر و ادبیات با این فاجعه انسانی، می‌خواهیم از پرویز پرستویی به عنوان مرتبط‌ترین هنرمند ایرانی به این واقعه یاد کنیم. اگر آمریکایی‌ها با وقاحت تمام مدال افتخار برگردن فرمانده ناو جنگی‌شان که ۲۹۰ ایرانی را به کشتن داد انداختند ما با کمال افتخارف مدال نمادین افتخار را به گردن پرستویی می‌اندازیم. حالا نه‌تنها به پیشنهاد او، نام فرودگاه بندرعباس به «شهدای پرواز ۶۵۵ هما» تغییر یافته، بلکه او پیش از این در دو اثر سینمایی، مرد اول بوده است؛ در این گزارش هم گفتیم: در فیلم داستانی موج مرده و در فیلم مستند موج زنده.